

عشق چه ارزان به دست می آید!

محمد علی شامانی

یا زمانی که خود بیمار است، ترجیح می دهد در مدرسه حاضر شود، او یک معلم عاشق است.

حال اگر بشنویم که بچه های ۴ تا ۸ ساله چه تعریفی از عشق دارند، شاید نظرمون تغییر کند.

پسر ۷ ساله ای می گوید: "عشق هنگامی است که مامانم برای پدرم قهوه درست می کند و قبل از آن که جلوی او بگذارد، آن را می چشد تا مطمئن شود که مزه اش خوب است."

دختر ۸ ساله ای می گوید: "وقتی یک نفر عاشق شما باشد، جوری اسمتان را صدا می کند که متفاوت است. شما می دانید که اسمتان در ذهن او در جای امنی قرار دارد."

و دختر ۵ ساله ای عشق را این گونه به تصویر می کشد: "عشق هنگامی است که مامان بهترین تکه ی مرغ را به بابا می دهد. ... و یا "عشق هنگامی است که به یک نفر بگویید از پیراهنش خوشتان می آید و بعد از آن، او هر روز آن پیراهن را بپوشد. اگر می خواهید یاد بگیرید که چه جوری عشق بورزید، باید از دوستی که از شما بدتان می آید شروع کنید."

در هیچ کدام از این جمله های زیبا خبری از اعجاب و اعجاز نیست. فقط کافی است به کارهای روزمره مان از نو نگاه کنیم و دوباره در جستجوی عشق باشیم.

"راستی عشق چه ارزان به دست می آید!" ■

گاه احساس می کنیم دیگر از کنار هم بودن لذت نمی بریم، دیگر از آن طراوت و شادابی روزهای اول خبری نیست، حرف هایمان تکراری شده و لبخندهایمان مصنوعی. با وجود آن که کنار هم هستیم، احساس تنهایی می کنیم و حسرت روزهای خوب گذشته، بیش از همه آزارمان می دهد. روزهایمان از عشق تهی است و زندگی طعم گسی دارد؛ دیگر حتی از نوشیدن یک چای لذت نمی بریم.

گمان می بریم که شاید در شروع اشتباه کرده ایم، انتخابمان درست نبوده و راه رفته اشتباه بوده است. ناخشنودی و عدم رضایت سراسر وجودمان را در بر می گیرد ... و به عشقمان شک می کنیم. به فکرمان می رسد که رابطه را قطع کنیم.

حس می زنیم چون عاشقانه شروع کرده ایم و هیچ گاه به فکر تجدید آن نیفتاده ایم، عشقمان هم دچار روزمرگی شده و مرگ آن آغاز شده است. خوب می دانیم که عشق را مرگی نیست.

ولی نه، شاید تعریفمان از عشق اشتباه بوده. همیشه گمان می کردیم برای ابراز محبتمان باید کارهای بزرگ انجام دهیم، خواسته های عجیب را برآورده کنیم؛ ...

معلمی که به عشق کمک به شاگردان ضعیف اش، زودتر از همه به مدرسه آمده و دیرتر از همه آن را ترک می کند و یا به ملاقات شاگردان بیمارش می رود و یا با آنان در روزهای تعطیل به کوه رفته و